فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره نوزدهم. بهار ۱۳۹۷، صص۱۳۲-۱۲۱ Vol 2. No 19. 2018, p 121-132
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

حق حبس در کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ وین

محمود عربشاهی کریز
کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبایی. تهران. ایران
مدرس دانشگاه پیام نور مرکز کاشمر. وکیل پایه یک دادگستری

چکیده
امروزه با گسترش روابط کشورها و برداشته شدن مرزها روابط تجاری کشورها گسترده تر شده است تجارت بین المللی در گذشته اهمیت فعلی خود را نداشت و در این حد نبود امروزه تجارت بین الملل اهمیت بسیاری پیدا کرده است از این رو شناخت و فراگیری و مطالعه حقوق تجارت بین الملل نیز اهمیت بالایی پیدا کرده است. در دنیای کنونی ضرورت حضور فعال در صحنه تجارت جهانی نه تنها نیازی به توضیح ندارد بلکه در شرایط تبدیل عالم به دهکده جهانی به یک اصل بدیهی مبدل شده است به طوری که بر دانشوران و فناوران مسلّم است که تجارت راهنمای تولید و بلکه موتور رشد اقتصادی است. گسترش روز افزون معاملات بین المللی و افزایش فزاینده شرکتهای خصوصی و دولتی در امر صادرات و واردات در ایران فراگیری وآشنایی با قواعد حقوقی مربوط به یک معامله بین المللی را امری ضروری می‌نماید. اجرای تعهد قراردادی وحق حبس از مهمترین مسائل در قراردادها می‌باشد در این تحقیق با مطالعه و بررسی مقررات کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ وین به عنوان قانون حاکم در روابط تجاری بین المللی این نتیجه حاصل شد که در کنوانسیون مزبور هرچند از لفظ خاصی برای اعلام حق حبس استفاده نشده ولی از لحن کلام و جملات چندین ماده (مواد ۵۸-۷۱-۸۵-۸۶) کاملاً واضح است که حق حبس را به رسمیت شناخته و درواقع حق حبس برای طرفین قرارداد پیش بینی شده است. که در ابتدا به بیان مفاد ومبانی حق حبس میپردازیم ودر ادامه جلوه های حق حبس در کنوانسیون مذکور را تشریح مینمائیم و در پایان به تبیین و تحلیل شرایط ایجاد و زوال حق حبس خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: قرارداد، حق حبس، کنوانسیون بیع بین اللملل ۱۹۸۰ وین

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مقدمه

موضوعی که در این تحقیق قصد بررسی آن را داریم عبارت است از حق حبس در کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ وین امروزه با گسترش روابط کشورها و برداشته شدن مرزها روابط تجاری کشورها گسترده‌تر شده است .تجارت بین المللی در گذشته اهمیت فعلی خود را نداشت و در این حد نبود امروزه تجارت بین الملل اهمیت بسیاری پیدا کرده است از این رو شناخت و فراگیری و مطالعه حقوق تجارت بین الملل نیز اهمیت بالایی پیدا کرده است.

هدف اقتصادی که در روابط تجاری بین المللی دنبال می شود همسان با هدفی است که در حقوق تجارت داخلی به دنبال آن هستیم یعنی هر یک از طرفین به دنبال کسب سود و منفعت می باشند، می‌خواهیم به کسی بفروشیم که گران بخرد و از کسی بخریم که ارزان بفروشد، تفاوتی که حقوق تجارت داخلی با حقوق تجارت بین المللی دارد در محدوده جغرافیایی این دو است، حقوق تجارت داخلی محدود به مرزهای کشور است و حقوق تجارت بین الملل این گونه نیست بلکه فراتر از مرزها می رود و در مناطق متعلق به چند کشور متعدد انجام می شود در دنیای کنونی ضرورت حضور فعال در صحنه تجارت جهانی نه تنها نیازی به توضیح ندارد بلکه در شرایط تبدیل عالم به دهکده جهانی به یک اصل بدیهی مبدل شده است به طوری که بر دانشوران و فنآوران مسلّم است که تجارت راهنمای تولید و بلکه موتور رشد اقتصادی است. (اخوی، ۱۳۸۴، ص۷۶)

موضوع این تحقیق همانطور که اشاره شد بررسی حق حبس در کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ وین می‌باشد. این کنوانسیون در سال ۱۹۸۰ در وین به تصویب رسید با هدف رفع موانع حقوقی در تجارت بین الملل و توسعه تجارت بین الملل با در نظر گرفتن اینکه توسعه تجارت بین الملل بر اساس برابری و نفع متقابل عنصر مهمی در ارتقای مناسبات دوستانه بین کشورها می باشد.

آنچه در این تحقیق در پی آن هستیم این است که آیا این کنوانسیون حق حبس را برای طرفین عقد پیش بینی کرده است یا خیر؟ ابتدا اول مفاد و مبانی حق حبس را بررسی می‌کنیم و در ادامه تعهدات طرفین و جلوه های حق حبس را در کنوانسیون مطرح ومورد تحلیل وبررسی قرار خواهیم داد.

۱. مفاد و مبانی حق حبس

۱-۱. مفهوم حق حبس

در رابطه با معنا و مفاد حق حبس در حقوق داخلی گفته شده است که منظور این است که هر یک از دو طرف قرارداد اجرای تعهد خود را منوط به تسلیم عوض قراردادی کند این اختیار را که بدون فسخ قرارداد اجرای تعهد را به حال تعلیق در می آورد در اصطلاح حق حبس می‌نامند در م ۳۷۷ قانون مدنی آمده است که هر یک از بایع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

شود در واقع حق حبس بعنوان وسیله ای برای اجبار طرف قرداد به اجرای تعهد او می‌باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص۱۱۵)

در کنوانسیون بیع بین الملل علیرغم اینکه در چندین ماده به حق حبس اشاره شد ولی تعریفی از آن ارائه نشده است، با توجه به بند اول م ۵۸ کنوانسیون می توان همان تعریفی را که در حقوق داخلی مطرح شده است مناسب دانست مطابق این ماده حق حبس عبارت از اینکه یکی از طرفین اعم از خریدار و فروشنده انجام تعهد خودش را منوط کند به انجام تعهد طرف مقابل نماید.

۱-۲. مبانی حق حبس

در این قسمت بر آنیم که مبانی موجهه چنین تأسیسی را مطرح کنیم، و به عبارتی حق حبس بر چه مبنایی استوار است؟

۱-۲-۱. اصول کلی حقوقی:

یکی از مبانی که می توانیم برای حق حبس ذکر کنیم عبارت است از اصول کلی حقوقی، در منابع حقوق تجارت بین المللی یکی از منابع که مطرح شده اصول کلی حقوق می باشند. اصول کلی حقوق (General principal oflaw) عبارتند از اصولی که مشترکاً در حقوق داخلی کشورهای مختلف وجود دارد و به رسمیت شناخته میشود مثلاً قاعده لزوم وفای به عهد، اعتبار امر مختومه، منع دارا شدن بلا جهت. حسن نیت در اجرای قراردادها. . . از جمله اصولی کلی حقوقی می باشند. (سماواتی، ۱۳۷۷، ص۱۷۶)

در قراردادهای تجاری بین المللی ممکن است اشاره به این اصول نشودولی بایدگفت که این اصول حتی اگر طرفین در قرارداد اشاره ای به آن نکرده باشد باز هم بر قرارداد حاکم خواهد بود. (فیض چکاپ، ۱۳۸۶، ص ۳۸)

اصول قراردادهای تجاری بین المللی که توسط موسسه بین المللی وحدت حقوق خصوصی تهیه و تدوین شده است اساساً برای قراردادهای بازرگانی بین المللی در نظر گرفته شده است این اصول نتیجه بررسی و مطالعه گسترده و متمرکز از سوی یک گروه تخصصی کاری است که مرکب از کارشناسان برجسته در زمینه حقوق قراردادها و حقوق تجارت بین الملل از تمام نظامهای بزرگ حقوقی و اجتماعی – اقتصادی جهان بوده است.

طرفهای یک معامله تجاری بین المللی می توانند این اصول را بعنوان قواعد حاکم بر قراردادشان انتخاب کنند و هنگامیکه از داوران درخواست می شود تا مطابق با اصول عام حقوقی یا عرف بازرگانان تصمیم بگیرند آنها می توانند به اصول این موسسه استناد کنند. (اخلاقی، ۱۳۸۴، ص۱۸۸)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

در بخش هفتم از این اصول تحت عنوان عدام اجرای تعهدات صراحتاً حق حبس بعنوان یکی از این اصول شناخته شده است. در ماده ۳ از قسمت اول بخش هفتم با عبارت With holding preformanes به حق حبس اشاره شده است.

ماده ۷-۱-۱ حق حبس هر گاه طرفین متعهد باشند همزمان ایفای تعهد کنند، هر یک از طرفین می‌توانند ایفای تعهد خود را منوط به ایفای تعهد طرف دیگر نماید.

هرگاه طرفین متعهد باشند به توالی ایفای تعهد کنند، طرفی که ایفای تعهد او متعاقب است، می‌تواند از ایفای تعهد سر باز زند تا طرف اول تعهد خود را ایفا کند.

۱-۲-۲ دارا شدن ناعادلانه

مبنای دیگری که می توانیم برای حق حبس مطرح کنیم عبارت است از دارا شدن ناعادلانه، (استفاده بدون سبب) توضیح اینکه حقوق باید از استفاده بدون جهت جلویگری کند و به کسی که به زیان او استیفای نامشروع صورت گرفته اجازه دهد تا آنچه را به ناحق از دست داده است در پناه قانون باز ستاند. جلوگیری از ظلم و ناروایی وظیفه حقوق است و این اقدام چه از نظر اخلاقی و چه از نظر اجتماعی یک ضرروت است. منتهی از نظر حفظ نظام باید چارچوب قاعده مشخص شود به بیان دیگر این ندای اخلاقی که هیچ کس نباید مال دیگری را به باطل و بدون جهت بخورد بایستی جامه حقوقی نیز بپوشد و باعث در هم ریختگی اصول حقوق دیگر نشود. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص۲۱۱)

۱-۲-۳. تلازم تحویل کالا و پرداخت ثمن

مبنای دیگری که می توان برای حق حبس مطرح کرد عبارت است از تلازم تحویل کالا و پرداخت ثمن، منظور این است که پرداخت ثمن و تحویل کالا لازم و ملزوم یکدیگرند. در تفسیری که توسط هیجده تن از حقوقدانان دانشگاههای معتبر جهان از کنوانسیون بین المللی بعمل آمده در ذیل م ۵۸ کنوانسیون به این امر تصریح کرده اند. بند اول ماده ۵۸ کنوانسیون مقرر می دارد که «در صورتیکه خریدار ملزم نباشد ثمن را در یک زمان معین تأدیه نماید مکلف است آنرا در زمانی بپردازد که فروشنده کالا یا اسناد کنترل کننده واگذاری مبیع را بر اساس قرارداد یا این کنوانسیون در اختیار وی قرار می‌دهد. (داراب پور، ۱۳۷۴، ص۱۹۸)

به طور کلی در عقود معاوضی عدالت معاوضی اقتضاء می کند که به منظور تحقق بخشیدن به آنچه که هر یک از طرفین از انعقاد عقد دنبال می کرده‌اند، هر یک از طرفین به تعهد خود پایبند بوده و آنچه را بر عهده گرفته اند اجرا نمایند در غیر اینصورت هر دو مورد معامله در اختیار یکی از طرفین قرار گرفته و عدالت معاوضی مخدوش می شود لذا اعمال حق حبس بعنوان ضمانت اجرایی برای وادار کردن طرف مقابل به

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

اجرای تعهد از نظر عقلی و منطقی کاملاً قابل توجیه می باشد بدون اینکه هیچگونه مسئولیتی متوجه حابس باشد.

۲. تعهدات و تعلیق تعهدات

در این قسمت می خواهیم به بررسی موادی از کنوانسیون بپردازیم که به حق حبس اشاره دارند قبل از بررسی این مواد ضروری می نماید که اشاره ای داشته باشیم به تعهدات هر یک از بایع و مشتری که در کنوانسیون تصریح به آن شده است.

۲-۱. تعهدات بایع

اجرای قرارداد فروش متضمن آن است که فروشنده هم مالکیت کالا را به خریدار انتقال دهد و هم کالای فروخته شده را در اختیار خریدار بگذارد در بسیاری از نظام‌های حقوقی ممکن است لحظه ای که مالکیت منتقل می‌شود و لحظه‌ای که مسئولیت خطرهای متوجه کالا از فروشنده به خریدار منتقل می‌شود بر یکدیگر منطبق نباشد. (طارم سری، ۱۳۷۱، ص ۱۲۳)

در کنوانسیون بیع بین المللی درم ۳۰ تعهدات بایع مطرح شده است.

این م مقرر می دارد که بایع مکلف است به ترتیبی که در قرارداد و این کنوانسیون مقرر شده است کالا را تسلیم کند هرگونه مدرک مربوط به کالا را تحویل نماید و مالکیت کالا را انتقال دهد.

موضوع انتقال مالکیت کالا در نظامهای حقوقی مختلف یکسان نیست در برخی نظامها با انعقاد قرارداد مالکیت کالا به خریدار منتقل می‌شود اما در سایر نظامها انعقاد قرارداد برای انتقال مالکیت کافی نیست و کالا باید در اختیار خریدار قرار گیرد در نظام حقوقی ایران به مجرد وقوع بیع، مشتری مالک کالا می گردد و مالکیت انتقال می‌یابد در حقوق آمریکا زمانی مالکیت به مشتری منتقل می‌شود که قرارداد تاریخ آن را معین کرده است در صورتیکه تاریخ تحویل کالا مشخص نگردیده باشد زمان انتقال مالکیت زمانی است که فروشنده تکالیف خود را نسبت به تحویل کالا انجام داده باشد. (دادخواه، ۱۳۸۹، ص۱۱۷)

۲-۱-۱. تحویل کالا

به هر حال مطابق ماده ۳۰ کنوانسیون بایع دو تعهد دارد تعهد اصلی بایع عبارت است از تحویل کالا. عرف تجاری بین المللی قراردادهای نمونه، شرایط عمومی معاملات، عرفهای تجاری مدون مانند اینکوترمز و کنوانسیونهای بین المللی نیز بر این امر صحه می گذارند. مفاد قرارداد و نوع تحویل انتخاب شده نیز تعیین کننده محل انتقال مالکیت است.

علاوه بر اینکه بایع موظف است کالا را در محل و مهلت قراردادی تحویل خریدار دهد از لحاظ کمّی و کیفی کالای تحویل شده باید مطابق با شرایطی باشد که در قرارداد تصریح شده است در ماده ۳۵ به بعد

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

کنوانسیون بر ضرورت انطباق کمّی و کیفی کالای تحویلی با شرایط قرارداد تأکید شده است بند ۱ م ۳۵ مقرر می دارد که بایع باید کالائی را تسلیم کند که دارای مقدار و کیفیت و وصف مقرر در قرارداد باشد و نیز بهمان ترتیبی که در قراداد مقرر شده است بسته بندی یا ظرف بندی گردیده باشد. (خزاعی، ۱۳۸۶، ص ۸۹)

۲-۱-۲. انتقال مالکیت

تعهد دیگری که برای بایع در ماده ۳۰ ذکر شده انتقال مالکیت است، سؤالی که مطرح است اینکه از چه زمانی مالکیت کالا به خریدار منتقل می شود نظامهای حقوقی مختلف در این رابطه برخوردی متفاوتی داشته اند در برخی سیستمها انعقاد قرارداد موجب انتقال مالکیت می‌گردد لکن سیستمهای حقوقی دیگری وجود دارد که در آنها صرف انعقاد قرارداد برای انتقال مالکیت کافی نیست بلکه باید کالا در اختیار مشتری قرار گیرد در نظام حقوقی ایران صرف انعقاد قرارداد در بیع موجب انتقال مالکیت کالا می شود اما در حقوق آمریکا زمانی مالکیت به مشتری انتقال پیدا می‌کند که قرارداد تاریخ آن را تعیین کرده باشد. (فیضی چکاپ، ۱۳۸۶، ص ۴۱)

۲-۲. تعهدات خریدار

در رابطه با تعهد مشتری در مبحث سوم کنوانسیون تحت عنوان تعهدات مشتری در ماده ۵۳ مقرر شده است که مشتری مکلّف است به ترتیب مقرر در قرارداد و این کنوانسیون ثمن کالا را تأدیه و کالا را قبض نماید.

۲-۲-۱. پرداخت ثمن

یکی از تعهداتی که برای مشتری مطرح شده پرداخت ثمن می باشد تکلیف مشتری در پرداخت قیمت در برگیرنده اقدامات و تشریفاتی است که تحت قرارداد بیع یا هر نوع قانون و مقررات دیگری جهت امکان پرداخت قیمت لازم شمرده شود بعنوان مثال از جمله این تشریفات می توان از اموری مانند افتتاح اعتبار اسنادی یا ضمانت نامه بانکی و نیز اقدام به تبدیل پول رایج کشور خریدار به پولی که در قرارداد جهت پرداخت قیمت کالا تعیین شده نام برد. در رابطه با تعیین قیمت کالا در ماده ۵۵ کنوانسیون آمده است که چنانچه قراردادی به نحو صحیح صورت گرفته باشد لکن ثمن به طور صحیح یا ضمنی معین نشده یا مقرراتی جهت مشخص کردن قیمت نداشته باشد این طور در نظر گرفته می شود که طرفین معامله در صورت فقدان دلیل مخالف به طور ضمنی قیمتی را که عموماً در زمان انعقاد قرارداد برای چنین کالایی که تحت شرایط مشابه در تجارت موردنظر پرداخت می شود در نظر داشته اند.

در رابطه با محل پرداخت مطابق م ۵۷ کنوانسیون اگر متعاملین مبادرت به تعیین محل تأدیه ننموده باشند خریدار باید ثمن را در محل تجارت فروشنده تأدیه کند در رابطه با زمان پرداخت ثمن در مرحله اول

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

طرفین ملزم هستند که بلافاصله ثمن و کالا را تحویل طرف مقابل نماید ولی چنانچه موعدی برای تأدیه ثمن در نظر نگرفته باشند مطابق م ۵۸ (قاعده کلی که در اکثر کشورها حاکم است) خریدار باید در زمانیکه کالا یا اسناد کنترل کالا را دریافت کند ثمن را تأدیه نماید. (فیضی چکاب، ۱۳۸۶، ص ۴۹)

۲-۲-۲. قبض کالا

تعهد دیگری که برای خریدار مطرح شده است عبارت است از قبض کالا، سؤالی که مطرح می شود اینکه منظور چیست و خریدار چه اقدامی باید انجام دهد؟ ماده ۴۰ کنوانسیون مقرر داشته است که تکلیف قبض کالا شامل موراد ذیل می شود. ۱- کلیه اقداماتی که خریدار به منظور قادر ساختن فروشنده به تحویل کالا انجام دهد. ۲- قبض کالا در مرحله اول ممکن است تصور شود که این ماده یک امر بدیهی را مطرح کرده و اساساً این به نفع خود مشتری است که کالا را قبض نماید و نباید عنوان تعهد برای آن گذاشته شود ولی باید گفت که در تجارت بین الملل تفاهم و هماهنگی طرفین قرارداد بیع حتی پس از انعقاد قرارداد نیز ضروری است قدرت اجرایی قرارداد فقط از اراده اولیه مبنی بر انعقاد عقد ناشی نمی شود بلکه باید در تمام مدت قرارداد و حتی حین اجرا این تفاهم باید برقرار باشد در بسیاری موارد اگرچه تحویل کالا تعهد اصلی بایع است ولی اقدام به تحویل را مشروط به دریافت دستورات لازم از طرف خریدار می کند، دستور به تحویل گاهی پیچیده است و مستلزم کارهای مقدماتی مثل تهیه وسیله حمل و نقل از طرف خریدار و ارسال مشخصات وسیله مذکور برای بایع است. (خزاعی، ۱۳۸۶، ص۱۱۹)

۳- جلوه های حق حبس در کنوانسیون

حال که با تعهدات هر یک از بایع و مشتری در کنوانسیون آشنا شدیم به بررسی و توضیح موادی از کنوانسیون می پردازیم که به نوعی به حق حبس اشاره دارند.

۳-۱. ماده ۵۸ کنوانسیون

ماده ۵۸ کنوانسیون یکی از موادی که حق حبس از آن برداشت می شود این ماده مقرر می دارد که:

ـ در صورتیکه خریدار ملزم نباشد ثمن را در یک زمان معین تأدیه نماید مکلف است آن را در زمانی بپردازد که فروشنده کالا یا اسناد کنترل کننده واگذاری مبیع را بر اساس قرارداد یا این کنوانسیون در اختیار وی قرار می‌دهد فروشنده می تواند تسلیم کالا یا اسناد آن را به خریدار منوط به تأدیه ثمن نماید.

ـ هرگاه قرارداد متضمن حمل و نقل کالا باشد فروشنده می تواند کالا را با شرایطی ارسال دارد که بموجب آن کالا یا اسناد کنترل کننده واگذاری مبیع، تحویل خریدار نگردد مگر با پرداخت ثمن.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

ـ خریدار تا زمانیکه فرصت بازرسی کالا را داشته باشد ملزم به تأدیه ثمن نیست مگر اینکه رویه ای که برای تسلیم کالا یا تأدیه ثمن توسط طرفین برآن موافقت شده است منافات با داشتن چنین فرضی داشته باشد.

در این ماده هرچند از لفظ خاصی برای اعلام حق حبس استفاده نشده ولی از لحن کلام و جملات ماده خصوصاً بند ۱ کاملاً واضح است که حق حبس را به رسمیت شناخته است بر اساس این ماده اگر در قرارداد زمان خاصی برای پرداخت ثمن معین نشده باشد خریدار می تواند تا زمانیکه فروشنده کالا و اسناد مربوط به آن را مطابق قرارداد و کنوانسیون در اختیار خریدار قرار نداده است از پرداخت ثمن خودداری کند اما اگر فروشنده کالا و اسناد مربوط به آن را در اختیار او قرارداد او نیز باید ثمن را به فروشنده پرداخت کند در جهت تضمین دریافت ثمن، کنوانسیون این حق را به فروشنده نیز داده است که تسلیم مبیع و اسناد مربوط به آن را می تواند موکول به دریافت ثمن نماید. (داراب پور ۱۳۷۴، ص ۱۱۹)

بند دو این ماده نیز متضمن نوعی حق حبس برای بایع می باشد این بند به فروشنده حق می دهد که تسلیم اسناد مربوط به کالا را یا در مواقعی که خریداری احتیاجی به دریافت اسناد کالا برای تحویل گرفتن آن ندارد قبض کالا را مشرط به پرداخت ثمن نماید.

بند ۳ ماده نوعی حق حبس برای خریدار قائل شده است در این بند آمده تا زمانی که مشتری فرصت بازرسی کالا را نیافته است ملزم به تأدیه ثمن نیست.

لیکن اولاً مطابق ماده ۳۸ مشتری باید ظرف کوتاهترین مدت که با توجه به اوضاع و احوال عملاً ممکن می‌باشد عمل بازرسی را انجام دهد. ثانیاً چنانچه عدم تطابق بین کالای تحویلی با شرایط قرارداد مشاهده کرد موظف است یاداشتی مبنی به عدم تطابق کالای تحویلی با شرایط قراردادی برای فروشنده بفرستد. (خزاعی، ۱۳۸۶، ص۱۷۸)

۳-۲. ماده ۷۱ کنوانسیون

جلوه ای دیگر از حق حبس را می توان در ماده ۷۱ کنوانسیون مشاهده کرد، در این ماده از حق حبس به تعلیق اجرا تعبیر شده است **(Suspention of performance)**

در این ماده آمده است:

۱- اگر بعد از انعقاد قراداد آشکار شود که یکی از طرفین بعلل ذیل بخش معظمی از وظایف خود را انجام نخواهد داد طرف دیگر حق خواهد داشت اجرای تعهدات خود را معلق نماید.

الف) نقصان فاحش در توانایی یا اعتبار مالی متعهد برای ایفا قرارداد.

ب) نحوه رفتار متعهد در تمهید و تدارک ایفا قرارداد یا اجرای آن.

اگر فروشنده قبل از اینکه زمینه های مذکور در پاراگراف فوق هویدا شود کالا را ارسال کرده باشد می‌تواند از تسلیم آن به خریدار جلویگری بعمل آورد هرچند که خریدار دارای سندی باشد که به موجب

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

آن ذیحق قبض کالا باشد پاراگراف حاضر فقط در رابطه با حقوق بر کالا بین خریدار و فروشنده است. (طارم سری، ۱۳۷۱، ص۱۶۵)

طرفی که اجرای تعهد را خواه قبل از ارسال کالا یا بعد ازآن تعلیق می نماید موظف است فوراً اخطار مبنی بر تعلیق را به طرف دیگربدهد و چنانچه طرف دیگر تضمین کافی در ایفاء تعهداتش بدهد مکلف است که به اجرای تعهدات خود ادامه دهد. دادن حق تعلیق در اجرای تعهد به یک طرف چیزی جز حق حبس نیست چون اصل بر این است که هر یک از طرفین بدون قید و شرط به تعهدات خود عمل کند و دادن حق توقف در اجرای تعهدات به نحوی دلالت بر حق حبس می‌کند.

چند نکته در رابطه با این ماده حائز اهمیت می باشد، نکته اول اینکه با توجه به صدر ماده که گفته شده «پس از انعقاد قرارداد» یکی از طرفین زمانی می تواند تعهدات خودش را معلّق کند که پس از انعقاد قرارداد بر او معلوم شده باشد که طرف دیگر توانایی انجام بخش اساسی تعهدات خودرا ندارد اگر قبل یا حین قرارداد به عدم توانایی طرف مقابل آگاه بوده باشد حق تعلیق اجرای تعهد یا به عبارتی حق حبس نخواهد داشت چرا که با آگاهی و اختیار بر علیه خودش اقدام کرده است و منطق حقوقی و اخلاقی نمی‌پذیرد که چنین شخصی اجرای تعهدات خود را معلّق نماید. (صفائی، ۱۳۸۶، ص۲۳۴)

نکته دیگری که در رابطه با این ماده نیازمند توجه می باشد این است که منظور از بخش اساسی تعهدات چیست؟ چه مقدار از موضوع قرارداد بخش اساسی تعهدات محسوب میشود چه مقدار از مبیع یا ثمن باید پرداخت شود تا بخش اساسی تعهدات تلقی گردد؟ در این رابطه معیار دقیقی وجود ندارد و باید به عرف تجارتی مراجعه شود تا بر اساس اوضاع و احوال و قرائن موجود مشخص شود.

نکته بعدی بند ۲ این ماده میباشد که برای بایع حق حبس پیش بینی کرده در این بند به بایع حق داده شده که حتی اگر کالا را ارسال کرده باشد و بعد متوجه شود که خریدار قادر به انجام تعهد خود نخواهد بود می تواند از تسلیم آن به مشتری جلوگیری کند.

در بند ۳ این ماده تکلیفی را برعهده حابس قرار داده و گفته شده کسی که قصد تعلیق اجرای قرارداد را دارد مکلف است اخطاری را برای طرف مقابل ارسال کند و اعلام کند که قصد تعلیق اجرای تعهد را دارد و در مقابل اگر طرف مقابل اطمینان یا تضمین کافی بدهد که تعهد خود را ایفا خواهد کرد حابس باید اجرای تعهد را از سر بگیرد. (اخلاقی، ۱۳۷۸، ص۱۹۴)

۳-۳. ماده ۸۵ کنوانسیون

جلوه ای دیگر از حق حبس را می توان در ماده ۸۵ کنوانسیون مشاهده کرده در این ماده به حق حبس اشاره شده منتهی حق حبس در مقابل انجام تعهد اصلی نیست بلکه در مقابل مطالبه هزینه هایی است که هر یک از طرفین ممکن است برای نگهداری کالا متحمل شده باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

در ماده ۸۵ این حق برای بایع پیش بینی شده است این ماده مقرر می دارد که «هرگاه مشتری نسبت به قبض کالا تأخیر نماید یا در موردیکه تأدیه ثمن و تحویل کالا می باید به صورت همزمان صورت گیرد، مشتری در تأیه ثمن قصور ورزد و کالا در ید بایع بوده و یا وی به نحو دیگری بر کالا استیلاء داشته باشد، بایع مکلّف است حسب اوضاع و احوال اقدامات متعارف را برای حفاظت کالا معمول دارد تا زمانیکه مشتری هزینه های متعارف انجام شده را تأدیه ننماید بایع حق دارد کالا حبس کند.

در توضیح این ماده باید گفت که اولاً گفته شده «قبض کالا» در قسمت قبل در تعهدات بایع و مشتری گفتیم که یکی از تعهدات مشتری تأدیه ثمن است و قبض کالا در مورد مقرر، همچنانکه م ۵۳ کنوانسیون نیز بر این امر تصریح داد و در ماده ۶۰ گفته شده که قبض کالا چه اقداماتی را شامل می شود علاوه بر این باید توجه داشت که در تسلیم زودتر از موعد مشتری مکلّف به قبض نیست و این عدم قبض حق مذکور در این ماده را برای بایع ایجاد نخواهد کرد. هنگامیکه نسبت به تأدیه ثمن همزمان با تحول کالا توافق شده باشد چنانچه زمانی که فروشنده آماده تحویل باشد چنین پرداختی صورت نگیرد ماده ۸۵ این اقدام را عدم توفیق خریدار در پرداخت ثمن محسوب می‌نماید در چنین موقعیتی وظیفه فروشنده مبنی بر تسلیم معلّق می‌شود و از این پس وظیفه وی این است که اقدامات لازم برای محافظت کالا را انجام دهد. (داراب پور، ۱۳۷۴، ص۱۴۵)

۳-٤. ماده ۸٦ کنوانسیون

ماده ۸۶ کنوانسیون همین حق را برای خریدار پیش بینی کرده است، این ماده مقرر می‌دارد که: «۱- چنانچه مشتری کالا را دریافت کرده باشد و قصد اعمال هر یک از حقوق خود را در چارچوب قرارداد و این کنوانسیون داشته باشد مکلف است، حسب اوضاع و احوال، اقدامات متعارف را برای حفاظت کالا معمول دارد تا زمانیکه بایع هزینه های انجام شده را تأدیه ننماید، مشتری حق دارد کالا را حبس نماید.

چنانچه کالای ارسال شده جهت مشتری در مقصد مورد نظر در اختیار او قرارداده شود و او از حق رد استفاده کند مکلف است به نیابت از بایع، کالا را در تصرف خود نگاه دارد به شرط آنکه این امر بتواند بدون پرداخت ثمن و بدون زحمت نامتعارف یا هزینه های نامعقول صورت گیرد. چنانچه بایع یا شخص مأذونی که بتواند به نیابت از او حفظ کالا را برعهده گیرد در مقصد حاضر باشد شرط مذکور اعمال نخواهد شد هرگاه مشتری در چهارچوب این بند کالا را در تصرف نگاه دارد حقوق و تعهدات او مشمول بند پیشین خواهد بود.

به هر حال در هر یک از این موقعیت ها که خریدار قصد رد کردن کالا را به هر علتی دارد وظیفه ای بر عهده خریدار گذاشته شده است تا اقدامات متعارف را برای محافظت از کالا معمول دارد خریدار همچنین این حق را دارد که تا مادامی که همه هزینه های متعارف توسط فروشنده به وی پرداخت نشده کالا را حبس کند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

نکته پایانی در رابطه با این ماده اینکه اگر فروشنده یا فرد مأذون از طرف وی در مقصد کالا حاضر باشند بند ۲ ماده اعمال نخواهد شد زیرا فروشنده قادر به دریافت کالای که خریدار قصد رد آنها را دارد می‌باشد. بنابراین این ماده فقط در صورتی اعمال خواهد شد که فروشنده یا نماینده مأذون وی حضور نداشته باشد که خریدار کالا را به آنها رد کند. (داراب پور، ۱۳۷۴، ص۱۵۳)

٤- نتیجه گیری:

در کنوانسیون بیع بین الملل علیرغم اینکه در چندین ماده به حق حبس اشاره شد ولی تعریفی از آن ارائه نشده است، با توجه به بند اول م ۵۸ کنوانسیون می توان همان تعریفی را که در حقوق داخلی مطرح شده است مناسب دانست مطابق این ماده حق حبس عبارت از اینکه یکی از طرفین اعم از خریدار و فروشنده انجام تعهد خودش را منوط کند به انجام تعهد طرف مقابل نماید.

مواد۵۸-۸۶-۸۵-۷۱ کنوانسیون اشاره به حق حبس طرفین قرارداد داردو حتی فراتر آز آنچه میباشد که در حقوق داخلی ما پذیرفته شده است به این شرح که علاوه بر اینکه طرفین انجام تعهدات اصلی خود را میتوانند منوط به انجام تعهد طرف مقابل نمایند، هریک ازطرفین میتوانند انجام تعهدرا منوط به پرداخت هزینه های نمایندکه در شرایط خاصی جهت نگهداری کالا متحمل شده اند. مضافاً اینکه اگر بعد از انقعاد قرارداد آشکار شود که یکی از طرفین بعللی بخش معظمی از وظایف خود را انجام نخواهد داد طرف دیگر حق خواهد داشت اجرای تعهدات خود را معلّق نماید.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

فهرست منابع و مآخذ

ـ اخوی، احمد، کندوکاوی در نظریه و سیاست جدید تجارت بین الملل، (تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، چاپ اول، ۱۳۸۴)

ـ کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، اعمال حقوقی، (تهران: شرکت انتشار، چاپ چهارم ۱۳۷۶).

ـ سماواتی، حشمت ا. . . حقوق معاملات بازرگانی، (تهران: انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۷۷).

ـ تقریرات مربوط به درس حقوق تجارت بین الملل دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبایی، دکتر فیضی چکاب.

ـ موسسه بین المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی **(UNIDROIT)** اصول قراردادهای تجاری بین المللی، ترجمه و تحقیق، اخلاقی، بهروز امام، فرهاد، (تهران: موسسه مطالعه و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ دوم ۱۳۸۵).

ـ کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، جلد دوم (تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۷۴).

ـ داراب پور، مهراب، ترجمه تفسیر بر حقوق بیع بین المللی، جلد دوم، (تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ اول ۱۳۷۴).

ـ طارم سری، مسعود، آشنایی با جنبه های حقوق بازرگانی خارجی، جلد اول، (انتشارات آبنوس، چاپ هفتم ۱۳۷۱).

ـ دادخواه، محمدرضا، حقوق بازرگانی بین المللی، (تهران: شهر آشوب، چاپ ۱۳۸۲).

ـ خزاعی، حسین، حقوق تجارت بین الملل، جلد پنجم (تهران: نشر قانون، چاپ اول ۱۳۸۶).

ـ داراب پور، مهراب، ترجمه تفسیری بر حقوق بیع بین المللی، جلد سوم، (تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ اول ۱۳۷۴).

ـ موسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، حقوق بیع بین المللی، زیر نظر دکتر صفائی (تهران: نشر قانون، چاپ اول ۱۳۸۶).

ـ کلایوام، اشمیتوف، حقوق تجارت بین الملل، ترجمه اخلاقی، بهروز، امام، فرهاد و. . . (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) چاپ اول ۱۳۷۸.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]